

Journal iranian political sociology

Vol. ۴, No.۲, summer ۲۰۲۱

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.297896.2090>

Deficiencies and substantive innovations in regulating the rules of retaliation

In the Islamic Penal Code approved in ۱۳۹۲

Abstract

The most important crime against the physical integrity of individuals is premeditated murder, which has different punishments under the laws of different countries. New approaches by the legislator can be seen in the regulations on retaliation in the Penal Code of ۱۳۹۲. It seems eliminating the legislative gaps in the previous regulations is one of these approaches. Hence, there are fewer ambiguities in the new penal code on issues such as the powers of the guardian of the minor, the status of the order to kill another, and the guarantee of the criminal execution of murder victims. Another approach is to protect the public order of society, which she has shown in the form of cases such as protecting all victims of premeditated murder and giving the parents the right to receive blood money without the consent of the killer. In addition, the new legislative view of legitimate defense, as well as the issue of the perpetrator's awareness of the lethality of the act, indicates the deliberate use of the existing capacity of different jurisprudential approaches to resolve legal and judicial problems. In this article, in a descriptive-analytical method and using library tools, the aim is to examine the legislator in setting the rules of retribution, especially in the field of punishment of the parents of the victim, the initial request and issuance of a sentence of retribution in the punishment of Islamic law ۱۳۹۲.

Keywords: Retribution, Legislative Gaps, Intentional Murder, Penal Code ۹۲, avengers
of blood

نارسانی ها و نوآوری های ماهوی ناظر بر مقررات قصاص نفس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۲

محمد یزدانی^۱سید محمود مجیدی^۲محمد حسن حسینی^۳

چکیده

اساسی ترین جرم ضد و علیه تمامیت جسمانی افراد، قتل عمد است که در قوانین کشورهای مختلف مجازاتهای متفاوت دارد. در قوانین حاضر بر قصاص نفس در قانون مجازات ۱۳۹۲، رویکردهای جدید از سوی قانونگذار قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد، رفع خلأهای تقنینی موجود در مقررات پیشین در زمره این رویکردها می‌باشد. از این رو، در زمینه موضوعاتی همچون اختیارات ولی دم صغیر، جایگاه دستور به قتل دیگری و نیز ضمانت اجرای کیفری بزه دیدگان قتل، در قانون مجازات جدید ابهامات کمتری وجود دارد. رویکرد دیگر مقنن پشتیبانی و دفاع از نظم اجتماع است که آن را در قلب مواردی مانند حمایت از تمام بزه‌دیدگان قتل عمدی و نیز اعطای اختیار به اولیاء دم در گرفتن دیه بدون قبولی و رضایت قاتل نشان داده است. علاوه بر این، نگاه جدید مقنن به دفاع مشروع و نیز موضوع آگاهی مرتکب به کشنده بودن عمل ارتكابی نشان‌گر استفاده سنجیده از ظرفیت موجود رویکردهای متفاوت فقهی در راستای رفع مشکلات حقوقی و قضایی است. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای سعی بر آن است تا نارسانی‌ها و نوآوری‌های ماهوی ناظر بر مقررات قصاص نفس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه و بررسی قرار گیرد. از اهداف بسیار اساسی این مقاله، بررسی قانونگذار در وضع مقررات قصاص نفس، خصوصاً در حوزه مجازات اولیاء دم مقتول، درخواست اولیه و صدور حکم به اجرای قصاص در مجازات قانون اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد.

کلمات کلیدی: قصاص نفس / خلأهای تقنینی / قتل عمدی / قانون مجازات ۹۲ / اولیاء دم

^۱دانشجوی دکتری حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. @gmail.com/1266Yazdani

^۲استادیار گروه حقوق دانشگاه دامغان، ایران. نویسنده مسوول majidi@du.ac.ir

^۳گروه حقوق، استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران. m.hasani@du.ac.ir

قصاص از نظر لغوی به هر نوع دنبالۀ روی و پی جویی نمودن اطلاق می شود. قصاص در کلام فارسی، به معنای مجازات گناه، عقاب، سزا، جبران، انتقام، تلافی و رفتار با فاعل مثل آنچه او مرتکب شده، مقابله به مثل، کشنده را کشتن، جراحت کردن به عوض جراحت آمده است.^۱

قصاص در لغت عرب، اسم مصدر از ریشه «قص یقص» به معنای پیگیری نمودن نشانه و اثر چیزی است. در «لسان العرب» چنین می خوانیم: «قصصت الشی اذا تتبعته اثره شیئا بعد شیء» یعنی: قصاص نمودن چیزی، یعنی به تدریج دنبال اثر آن رفتن.^۲

از همین ریشه در قرآن کریم آمده است: (وقالت لأخته قصیه) یعنی: مادر موسی به خواهر آن حضرت گفت: که گهواره موسی (ع) را که به نیل انداخته اند، دنبال کند.^۳

طریحی در مجمع البحرین در رابطه با لغت قصاص گفته است: «القصاص بالكسر اسم لاستیقاء و المجازاه قبل الجنایه من قتل أو قطع أو ضرب أو جرح وأصله اقتفاء الأثر فكأن المقتص يتبع أثر الجانی فیفعل مثل فعله». ^۴ یعنی: گرفتن حق و کیفر دادن جنایکار را در برابر قتل یا بریدن یا ضرب و جرح، قصاص گویند. اصل این کلمه از ردیابی و پیگیری است، مثل این است که قصاص کننده، جنایتکار را تعقیب کرده و او را به کیفر کردارش می رساند.

معادل قصاص، «قود» (بفتح اول و دوم) است و این لغت از «قادیقود قودا قیاده» گرفته شده است، بدین سبب به معنای قصاص آمده که جانی را با طناب و امثال آن، به سوی اولیای مقتول می برند تا اگر خواستند او را بکشند و اگر خواستند عفو کنند.^۵

۲-۱- تعریف لغوی قصاص

یکی از موردها و نمونه های حقوق کیفری در اسلام، قصاص میباشد. قصاص در لغت و کلام به معنای پی گیری نمودن اثر چیزی است.^۶

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه و فرهنگ فارسی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱۶، ۱۳۷۳، ص ۱۵۵۲۳

۲- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۱۱، نشر ادب الحوزه، ۱۴۱۴، ص ۷۴

۳- قرآن کریم، قصص، ص ۱۱

۴- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، ۳، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۸۰

۵- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۵، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۰، ص ۱۵

۶- ابن منظور، همان، ص ۱۹۰

قصاص کلمه ای است عربی، به معنی آنچه داده باشی باز ستدن، یکی را کشتن، کین کشی به مثل، کشنده را باز کشتن و جراحت کردن عوض جراحت و چیزی را به بدل چیزی فرا گرفتن و در زبان فارسی به مطلق تعزیر اطلاق می شود.^۷

۳-۱ قصاص در اصطلاح فقهی

دروازه و اصطلاح فقهی، قصاص دنبال کردن و پیگیری و اثر جنایت است. به صورتی که قصاص کننده در ست عمل جانی را نسبت به او انجام دهد.^۸

در کتاب الفقه الجنایی در معنی اصطلاحی قصاص آمده است: «عقوبه مقدره وجبت حقا للفرد و یسمى القصاص بالقود لأن المقتص منه یقاد بشی یربط فیه أوبیده إلی القتل». یعنی: قصاص مجازات معینی است که در مورد اشخاص واجب گردیده است و بدین سبب به قصاص، قود گفته می شود که غالباً دستان جانی را می بندد و از جلو برای کشتن می برند. این نحوه مجازات قصاص از باب تغلیب قود نامیده شده است.^۹

بند دوم: مجازات قصاص از دیدگاه اسلام

در دین مبین اسلام، هر چند «اصل قصاص» در جرم های برضد و علیه تمامیت جسمانی اشخاص با شرایطی مورد پذیرش قرار گرفته است، ولی اصولاً شارع مقدس به عفو و گذشت نسبت به قصاص توصیه و تأکید داشته و با وعده پاداش اخروی برای عفو کنندگان، عفو را برتر و افضل از اجرای قصاص دانسته است. به بیان دیگر، نظام حقوقی اسلام، در واکنش نسبت به این قبیل جرایم، دواصل مهم عدالت و رحمت را مورد توجه و تأکید قرارداده است.^{۱۰}

از نظر اسلام، قصاص، نه تنها به دلیل استحقاق مجرم و تحقق عدالت کیفری تشریح شده است و نه صرفاً برای تحقق آثار و نتایج فردی و اجتماعی، بلکه قصاص در عین حال که به گذشته، یعنی به جرم و استحقاق مجرم و تحقق عدالت توجه دارد، آینده را نیز کاملاً مورد توجه قرار می دهد و به عنوان کارآمدترین شیوه برای جلوگیری از وقوع جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد عمل می کند. بر اساس منابع اسلامی، مهم ترین کارکرد قصاص، پیش گیری از وقوع جرم و حفظ نظم و امنیت اجتماعی است. اگرچه کارکردهای دیگری، مانند عدالت، تشریحی مجنی علیه یا اولیای او و تهذیب مجرم نیز در کنار آن تحقق می یابد و هیچ مجازات دیگری نمی تواند مانند قصاص موجب کاهش جرایم جسمانی بشود.^{۱۱}

7 - امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، کتاب فروشی اسلامی، 1368

8 - شهید ثانی، همان، ص 11

9 - موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، ج 1 و 2، قم، دارالمفید، 1413، ص 260

10 - قرآن مجید، اسراء، 33؛ بقره، 178

11 - خسروشاهی، قدرت الله، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، چ اول، تهران، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۰، صص 241-240

مجازات قصاص از دیدگاه اسلام، از جمله حقوق الناس است؛ به این معنا که بدون خواست و اراده کسانی که حق قصاص برای آن‌ها قرارداده شده است، قابل اجرا نیست، به ویژه که تأکید قانونگذار اسلام بر عدم انتخاب این مجازات می‌باشد و حتی الامکان سعی بر عدم اجرای آن دارد. در صورتی که اگر تحقق فلسفه قصاص در گرو اجرای این مجازات بود، باید تأکید بر اجرای این مجازات بشود، نه بر عدم اجرا.

البته تحقق عدالت کیفری نیز که در گرو اجرای این مجازات است و با عدم اجرای آن منتفی می‌گردد، به این دلیل که اولاً: عدالت مورد نظر از دیدگاه اسلام در مورد مجازات، عدالت مطلق نیست و ثانیاً: از دیدگاه اسلام، تنها راه مقابله با مجرم برخورد عدالت خواهانه نیست، بلکه راه دیگری نیز وجود دارد که همان برخورد از روی احسان و خیرخواهی و پاسخ‌گویی بدی به نیکی است.^{۱۲}

بنابراین می‌توان گفت که به همان اندازه که بررسی مجازات قصاص و شرایط تحقق آن لازم و ضروری و دارای اهمیت است، موضوع سقوط قصاص، یعنی مواردی که علیرغم ثبوت و تحقق قصاص موجب سقوط مجازات قصاص است، نیازمند توجه و بررسی و تبیین است؛ زیرا موارد سقوط قصاص از آنجایی که در صورت تحقق و بروز، نهایتاً موجب از بین رفتن مجازات قصاص می‌گردند، مانند اجرای قصاص مایه حیات هستند.^{۱۳}

قانون مهم‌ترین منبع حقوق ایران و سایر کشورهای است که در زمره نظام‌های حقوق مدون قرار می‌گیرند. وضع قانون از دو مرحله قانون‌گذاری و قانون‌نگاری متشکل است. مرحله اول به دنبال یافتن بهترین و مناسب‌ترین قاعده و مرحله دوم به دنبال یافتن بهترین و مناسب‌ترین قالب و شکل برای بیان و ابراز قاعده می‌باشد. بدیهی است برای یافتن بهترین قاعده و بهترین قالب، باید اصول و ضوابطی را رعایت نمود به گونه‌ای که رعایت نکردن آن‌ها، قانون را با مشکلاتی همچون عدم نیل به اهداف و لزوم تغییرات متعدد مواجه می‌سازد. طبق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی سابق. قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد. تفاوتی بین انواع مختلف قتل یا جراحت عمدی از نظر انگیزه نحوه کشتن و هویت قاتل یا مقتول و... وجود ندارد و مجازات اصلی و اولیه در همه این موارد جنایت عمدی قصاص می‌باشد. هر چند که قصاص مجازات اصلی و اولیه برای جرایم علیه اشخاص میباشد اما این مجازات دارای شرایطی است.

۱: تساوی در دین: هرگاه مسلمانی کافری را به عمد بکشد قصاص نمی‌شود. بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی تساوی در دین از شرایط ثبوت قصاص می‌باشد. اگر مجنی علیه مسلمان باشد مسلمان نبودن مرتکب مانع قصاص فرد نمی‌شود. اما اگر مسلمانی به کشتن اهل ذمه عادت کرده باشد خود نیز قصاص می‌شود. طبق ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود. و طبق ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی سابق هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص می‌شود. هرگاه کافری مرتکب قتل کافری شود و بعد مسلمان شود به دلیل اینکه مسلمان شده است قصاص نخواهد شد.

12 - قرآن مجید، اسراء، 33؛ بقره، 178

13 - قرآن مجید، مؤمنون، 96

۲: فقدان رابطه پدری: طبق نظر فقها هرگاه مقتول جزیی از قاتل باشد قاتل قصاص نخواهد شد و اگر پدری فرزند خود را به قتل رساند پدر قصاص نخواهد شد. طبق ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد. طبق ماده ۳۰۹ قانون مجازات اسلامی این ادعا که مرتکب پدر یا یکی از اجداد پدری مجنی علیه است باید در دادگاه اثبات شود و در صورت عدم اثبات حق قصاص بر حسب مورد با سوگند ولی دم یا مجنی علیه یا ولی او هم قابل است. پدر یا جد پدری علاوه بر اینکه باید دیه قاتل را پرداخت نمایند که خود سهمی از این دیه ندارند باید کفاره قتل عمد را هم پرداخت کنند و نیز به ۳ تا ۱۰ ساله حبس نیز محکوم میشوند. نکته ای که در اینجا وجود دارد این است که اگر پدری کافر باشد و فرزند مسلمان خود را به قتل رساند یا او را مجروح نماید قصاص نخواهد شد. در مورد سایر افراد دیگر خانواده حق قصاص اجرا می‌شود و قاتل قصاص خواهد شد و این مورد فقط در مورد پدر قاتل صدق می‌کند نکته مهم دیگری که وجود دارد این است که اگر فرزندی پدر خود را به قتل برساند فرزند قصاص می‌شود.

۳: تساوی در عقل: تساوی در عقل بدین صورت می‌باشد که قاتل و مقتول از حیث سلامت عقلی و قوه تمیز با یکدیگر برابر باشند. و بر این اساس در صورت کشتن مجنون توسط عاقل، عاقل قصاص نمی‌شود. همین نکته در مورد مجنون ادواری هم وجود دارد در صورتی که مرگ در حالت جنون مقتول رخ بدهند قاتل قصاص نخواهد شد.

گفتار دوم: حمایت از بزه دیده قتل با شرایط اعمال کیفری قصاص

بند اول: تعیین ضمانت اجرای کیفری برای تمامی بزه دیدگان قتل

بر اساس دیدگاه مشهور فقهای امامیه، یکی از شرایط اعمال کیفر قصاص همانا همانندی قاتل و مقتول از نظر دین می‌باشد. البته تفسیر این شرط بدین صورت است که هرگاه غیر مسلمانی مسلمانی را به قتل برساند قصاص می‌شود.^{۱۴}

لیکن بر اساس قاعده نفی سبیل، هرگاه غیر مسلمانی به دست مسلمانی کشته شود قصاص صورت نمی‌گیرد.^{۱۵}

قانون مجازات اسلامی پیشین باتکیه بر اقوال مشهور امامیه از مواد ۲۰۷ تا ۲۱۰ مقرراتی را در این زمینه پیش بینی کرد. مسئله مهمی که در این زمینه وجود داشت عبارت از آن بود که آیا هرگاه غیر مسلمانی توسط مسلمان به قتل برسد ضمانت اجرای آن چه خواهد بود؟ مشهور فقهاء امامیه بر این اعتقادند که از میان غیر مسلمانان، دیه پیروان مرد اهل کتاب اعم از یهودی، مسیحی و زرتشتی معادل هشتصد درهم بوده و دیه زن آن‌ها معادل چهارصد درهم می‌باشد.^{۱۶}

14 - شهید ثانی، همان، 1413، ص 152؛ خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج 2، تهران، مکتبه العلیه الاسلامیه، 1366، ص 559؛ طوسی، شیخ محمدبن الحسن، الخلاف، ج 3، قم، انتشارات اسلامی، 1407، ص 135

15 - فاضل هندی، محمد بن الحسن، کسف اللثام، ج 15، قم انتشارات اسلامی، 1416، ص 274

16 - طوسی، محمدبن علی بن حمزه، الوسیله الی نیل الفضیله، ج 1، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره)، 1407، ص 135

با توجه به سکوت قانون مجازات اسلامی پیشین در زمینه دیه غیرمسلمان، قضات در ابتدا با تکیه بر دیدگاه‌ها و فتاوی فقہی، به مبالغ فوق رأی صادر می‌کردند. تا این که در سال ۱۳۸۲ با اصلاح تبصره ماده ۲۹۷، بخشی از این مشکل رفع گردید. زیرا مطابق با تبصره مذکور، دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی به اندازه دیه مسلمان تعیین گردید. با وجود پیشرفت پیش گفته، دو مشکل دیگر در این زمینه همچنان پابرجا بود. نخست آنکه قانون‌گذار صراحت در مورد قتل غیرمسلمان اعم از اهل کتاب و غیر آن، ضمانت اجرای کیفری مناسبی تعیین نکرده بود. از این رو همچنان این ابهام در این زمینه وجود داشت که آیا قتل غیرمسلمان توسط مسلمان مشمول ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۷۵ قرار می‌گیرد یا نه؟ زیرا در ماده ۶۱۲ آمده است که هرگاه قتل عمدی رخ دهد و به هر علتی قصاص منتفی شود حبس تعزیری ۳ تا ۱۰ سال قابلیت اعمال خواهد داشت. در این میان برخی از حقوق دانان مشمول ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات را تنها شامل قتل‌هایی می‌دانستند که دارای کیفر قصاص بوده و به هر علتی مجازات قصاص منتفی می‌گردید و چون در موضوع مورد بحث، از ابتدا مجازات قصاص وجود نداشته تا منتفی شود، اعمال کیفر حبس مشروعیت قانونی نداشت.^{۱۷}

اما برخی دیگر از حقوق دانان قتل غیرمسلمان توسط مسلمان را نیز مشمول ماده ۶۱۲ و اعمال کیفر حبس را نیز قانونی قلمداد نمودند.^{۱۸}

مشکل دوم در زمینه فوق آن بود که دیه تعیین شده توسط تبصره ماده ۲۹۷ ق.م.ا سابق تنها شامل اقلیت‌های پذیرفته شده در قانون اساسی بود و قانون‌گذار برای سایر اقلیت‌هایی که در ایران زندگی می‌کنند و یا افراد جهانگردی که از خارج به داخل ایران می‌آیند و یا کسانی که ممکن است بی‌دین باشند، هیچ دیه و خون‌بهایی تعیین نکرده بود و تعیین خسارت برای آن‌ها خواه به عنوان دیه و خون‌بهاء و یا به شکل جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، در زمره‌ی خواسته حقوقدان‌ها بود.^{۱۹}

قانون‌گذار در قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ تا حدود زیادی مشکل نخست را مرتفع نموده است. از این رو در ماده ۳۱۰ مقرر نموده که هرگاه مسلمان، ذمی، مستأمن و معاهد بر غیرمسلمانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیست جنایتی وارد کند قصاص نمی‌شود بلکه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود و علاوه بر این بر اساس تبصره ۱ ماده ۳۱۰، نسبت به غیرمسلمانانی که ذمی، مستأمن و معاهد نبوده و با رعایت قوانین وارد کشور شده اند حکم مستأمن بار کرده است. بنابراین قانون‌گذار در قانون جدید ۹۲ برای قتل هر انسانی صرف نظر از عقیده، مکتب و گرایش دینی، واکنش کیفری خاصی را تعیین نموده تا نظم عمومی جامعه خدشه دار نگردد. البته این واکنش تعیین شده بسته به وضعیت بزه دیده متفاوت است. مسلمان بودن قربانی قتل، واکنش کیفری شدیدتری (قصاص) را به دنبال خواهد داشت و در صورت اهل کتاب بودن مقتول ضمانت اجراهای دیه معادل مسلمان و کیفر حبس تعیین می‌گردد و در صورتی که بزه دیده مشمول حالات دوگانه فوق نباشد مرتکب تنها مشمول حبس کیفری تعزیری قرار می‌گیرد. رویکردی که در قانون مجازات پیشین به صورت

17 - میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان، 1386، ص 14

18 - زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس، 1381، ص 457

19 - میرمحمدصادقی، همان، ص 220

صریح و مشخص پیش بینی نشده بود. مطالبه حقوق دانان نسبت به مشکل دوم که همانا تعیین خسارات برای افراد غیرمسلمان غیر اهل کتاب و یا افرادی که برای جهانگردی وارد ایران شده و یا افراد فاقد دین چه از باب دیه و یا هر عنوان دیگری همچنان پابرجا مانده است.^{۲۰}

بند دوم: حمایت از بزه دیده قتل با تخییر اولیاء دم در اخذ دیه یا اعمال قصاص

در زمینه ی توانایی اولیاء دم مقتول، نسبت به در خواست دیه از قاتل، با اعتقاد به عدم ضرورت یا ضرورت رضایت از قاتل، سه دیدگاه متفاوت در فقه مشاهده می شود. گروهی از فقهای امامیه براین اعتقادند که مجازات قتل عمدی قصاص بوده و تبدیل آن به دیه نیازمند تراضی قاتل و ولی دم مقتول می باشد.^{۲۱}

در مقابل دیدگاه مشهور، دو دیدگاه غیر مشهور در این زمینه وجود دارد. دیدگاه نخستین غیرمشهور براین اعتقادند که اولیاء دم مقتول از همان ابتدا مخیر به اعمال حق خود نسبت به در خواست قصاص، دیه و یا عفو بوده و در خواست دیه از سوی اولیاء دم مقتول نیازمند رضایت قاتل نمی باشد. دیدگاهی که به رویکرد اهل تسنن در این زمینه نزدیک بوده و به فقهای چون اسکافی و عمانی نسبت داده شده است. این دیدگاه غیرمشهور نیز به دلایل روایی متعددی، نظریه ی خود را مستند نموده اند که دلایل روایی آن ها توسط قائلین به دیدگاه مشهور به دلایل مختلف مورد تردید فقه قرار گرفته است.^{۲۲}

دیدگاه غیر مشهور دوم در این زمینه، براین اعتقاد می باشد که بر اساس اصل کلی مجازات قتل عمدی قصاص بوده و تبدیل آن به قصاص نیازمند رضایت دو طرف می باشد. لیکن هرگاه اعمال حق قصاص از طرف ولی دم متعذر گردد، مجازات بدل آن که دیه بوده، جای آن را می گیرد و در این صورت رضایت قاتل نیز شرط نخواهد بود. یکی از موارد تعذر، لزوم پرداخت فاضل دیه است در حالی که ولی دم قادر به پرداخت آن نبوده باشند.^{۲۳}

تحولات تقنینی ناظر براین موضوع در دوران پس از انقلاب، نشان می دهد که قانون گذار چندین بار دیدگاه خود را در این زمینه تغییر داده است. در ماده ۴۴ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱، مقنن با الهام از دیدگاه غیرمشهور و فقط در ارتباط با قتل زن توسط مرد، مقرر کرده بود که ولی دم زن می تواند درخواست قصاص با پرداخت نصف دیه ی کامل و یا درخواست دیه را داشته باشد. این رویکرد از آنجا که مانع سوء استفاده ی مرد از وضعیت به وجود آمده تلقی می گردید مورد تأیید حقوق دانان نیز قرار گرفت.^{۲۴}

زیرا در غیر این صورت چه بسا مردی با علم به وضعیت مالی خانواده ی زن، همسرش را به قتل می رساند و از آنجا که اعمال حق قصاص از طرف اولیاء دم زن، منوط به به پرداخت دیه از سوی آنان می بود، عملاً حق قصاص

20 - اکبری، عباسعلی، جرایم و تحولات آن در قانون مجازات اسلامی مصوب 92، عضو هیأت علمی، گروه حقوق جزا و جرم

شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، تبریز، ایران، 1392، ص 11

21 - محقق حلی، محمد، شرایع الاسلام، چاپ دوم، قم، موسسه اسماعیلیان، ج 4، 1405، ص 239

22 - نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 42، چاپ هفتم، بیروت، دار الحیای التراث العربی، 1363، ص 278

23 - خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ج 2، قم، موسسه الاحیای آثار الامام خویی، 1422، ص 127

24 - زراعت، همان، ص 90

غیر قابل اجرا و منتفی می‌گردید و از سوی دیگر برای اخذ دیه از قاتل نیز رضایت وی شرط بود که قاتل می‌توانست با اعلام عدم رضایت خود مانع جلدی برای پرداخت دیه از سوی خود ایجاد نماید. در واقع قتل فوق الذکر در عمل مشمول ضمانت اجرای هیچ کدام از عناوین قصاص و دیه نمی‌گردید. با وجود همین مسئله‌ی پیش گفته، قانون‌گذار در سال ۱۳۷۰ تغییر عقیده‌ی خود نسبت به دیدگاه غیرمشهور فقهای امامیه را در قالب ماده‌ی ۲۵۸ ق.م.ا جلوه‌گر ساخت. در این ماده قانون‌گذار چنین مقرر کرده بود: «هرگاه مردی زنی را به قتل برساند ولی دم حق قصاص قاتل را بپردازد نصف دیه دارد و در صورت رضایت، قاتل می‌تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید». به نظر می‌رسد تمایل مقنن به انطباق دیدگاه تقنینی خود با رویکرد مشهور فقهای امامیه سبب چنین تغییری شده باشد. ضرورت تحصیل رضایت قاتل نیز چنان‌که بیان گردید به آن دلیل از دیدگاه مشهور فقهای امامیه مهم و ضروری شمرده می‌شود که مجازات قتل عمدی همانا قصاص بوده و تبدیل آن به دیه باید با تراضی قاتل و اولیاء دم صورت پذیرد. این رویکرد از آنجا که می‌توانست زمینه‌ی سوء استفاده برخی از مرتکبین را فراهم نماید قابل انتقاد به نظر می‌رسید و خوشبختانه با رویکرد جدید مقنن در سال ۱۳۹۲ و در ماده ۳۶۰ ق.م.ا جدید برطرف شده است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «در مواردی که اجرای قصاص، مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده است، صاحب حق قصاص، میان قصاص با رد فاضل دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون ولو بدون رضایت مرتکب مخیر است». رویکردی که حتی نسبت به ماده ۴۴ قانون حدود و قصاص که انحصار به مسئله‌ی قتل زن توسط مرد داشت، بهتر و کامل‌تر می‌تواند نظم عمومی جامعه را تأمین نموده و راه سوء استفاده مجرمان احتمالی جامعه را از این طریق بسته نگاه دارد. تبدیل قصاص به دیه بدون رضایت قاتل به دلیل تعذر اجرای قصاص، جلوه‌ی دیگری نیز در قانون مجازات جدید ۱۳۹۲ به همراه دارد که با رویکرد حمایت از بزه دیده بسیار بااهمیت شناخته می‌شود. توضیح آن که در زمینه سقوط قصاص به دلیل کمرگ قاتل، دو دیدگاه وجود دارد. اعتقاد بر این که مجازات قتل عمدی قصاص می‌باشد از این رو با مرگ قاتل، قصاص و دیه ساقط گردیده و تنها استثناء آن مربوط به حالتی است که مرتکب فرار نموده و تا زمان مرگ وی امکان دسترسی به وی نباشد که در این صورت دیه از اموال مرتکب و در صورت فقدان اموال وی، به ترتیب از خوی، شاونندان وی به نحو «الاقرب فالاقرب» و یا بیت المال پرداخت خواهد شد.^{۲۵}

قانون مجازات اسلامی جدید ۱۳۹۲ با الهام از دیدگاه غیرمشهور پیش گفته، تغییرات عملی را در این زمینه نسبت به قانون مجازات پیشین ایجاد کرده است. ماده ۲۵۹ و ۲۶۰ ق.م.ا از یک سو فوت قاتل عمد را باعث سقوط قصاص دیه می‌دانست و از سوی دیگر، تنها مورد پرداخت دیه را اختصاص به حالت فرار داده بود. در ق.م.ا جدید قانون‌گذار در ماده ۴۳۵ مقرر کرده است «هرگاه در جنایت عمدی به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد، با درخواست صاحب حق، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخته می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد، ولی دم می‌تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آن‌ها یا عدم تمکن آن‌ها دیه از بیت المال پرداخت می‌شود». این دیدگاه از آنجا که می‌تواند زمینه‌ی

احقاق بی شتر حقوق بزه دیده را فراهم نموده و با رویکرد های امروزی بزه دیده مداری نیز هم سو با شد ، بسیار ارزشمند تلقی شود.

گفتار سوم : موانع اجرای به موقع حکم قصاص نفس با تاکید بر قانون مجازات سال ۱۳۹۲

بند اول : بررسی فقهی - حقوقی موانع قصاص با تاکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

یکی از قوانین و مقررات کیفری اسلام قصاص است، که به معنای استیفای اثر جنایت تبهکار است. و در اصل مجازاتی است که متناسب با جنایت جانی بر او وارد می شود. و این جنایت ممکن است به نفس یا اعضای بدن انسان وارد گردد. مهم ترین غایت تشریح قصاص، پایدار داشتن زندگی و حیات بشریت است. قصاص صرفاً با عمدی بودن جرم اعم از جرح یا قتل تحقق نمی یابد بلکه شرایط دیگری لازم دارد که با نبود آنها موانعی برای قصاص ایجاد می نمایند به عبارت دیگر عمدی بودن جرح یا قتل شرط لازم است نه کافی، فلذا نبود شرایط کافی در واقع همان موانع قصاص می باشد. بنابر این ثبوت و اجرای کیفر قصاص منوط به وجود شرایطی است که نبود هر کدام از آن ها می تواند باعث شود قصاص اجرا نگردد. قانون مجازات اسلامی جدید در باب موانع قصاص با پذیرش نظر مشهور فقهای امامیه در بیشتر موارد، با نوآوری ها و رویکردهای مثبتی نسبت به قانون گذشته همراه بوده است. در احکام جنون از یک سو متأثر از اندیشه های نوین سیاست جنایی بوده و از سوی دیگر ریشه در نگاه فقهی - سنتی به موضوع است. با حذف حکم قصاص افراد زیر ۱۸ سال بدون در نظر گرفتن جنسیت مرتکب و بخش بندی افراد زیر ۱۸ سال مانع قصاص کودکان شده است. در بحث برابری در دین با تبعیت از نظر فقهای شیعه با جزئیات بیشتری به جنایت های میان مسلمانان و غیر مسلمانان پرداخته و احکام زیادی را بیان کرده است همچنین به صورت مشخص از اقلیت های غیر مسلمان صحبت کرده است. این قانون با تعیین دقیق مصادیق مهدور الدم بر اساس منابع فقهی، موارد آن را محدود کرده است و به این ترتیب راه را برای جنایات بیشتر، بسته است. قانون مجازات اسلامی در کنار مستی، مواد مخدر و روان گردان را نیز مطرح کرده و در مورد جنایات مادون نفس نیز در این موارد تعیین تکلیف کرده است. از همه مهمتر عدم علم و آگاهی و نداشتن قصد را نیز برای عدم قصاص شرط دانسته و مطابق قول مشهور فقهای امامیه معتقد به دیه و تعزیر است. با تبعیت از نظر فقهای امامیه خواب و بیهوشی را نیز به عنوان مانع قصاص مطرح کرده و با عدم قصاص در این موارد معتقد به پرداخت دیه است.^{۲۶}

بند دوم : موانع اجرای به موقع حکم قصاص نفس

جهت احراز موانع اجرای به موقع حکم قصاص نفس پرونده هایی مورد مطالعه قرار می گیرند برخی از این پرونده ها تازه به اجرای احکام واصل شده اند و در مرحله دعوت از اولیای دم می باشند. برخی آماده ارسال جهت استیذان

و برخی از استیذان برگشته و آماده اجرای حکم می‌باشند. به نظر می‌رسد این موانع را می‌توان به دو دسته موانع موقت و دائمی تقسیم بندی نمود.^{۲۷}

۱-۱ موانع موقت

منظور از موانع موقت، موانعی می‌باشد که با توجه به ماهیت آن‌ها به صورت موقت مانع اجرای حکم قصاص می‌باشند و خود به خود بعد از گذشت زمانی که حداکثر می‌تواند پانزده سال و نه ماه باشد این مانع برطرف می‌شود و می‌توان نسبت به اجرای حکم قصاص نفس اقدام نمود.

۱-۱-۱ درخواست مهلت از سوی اولیای دم

در بررسی پرونده‌ها مشخص می‌گردد که در شانزده پرونده اولیای دم به رغم دادخواست اولیه و صدور حکم به اجرای قصاص، در مرحله اجرای احکام، هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌اند و مردد می‌باشند و از اضی اجرای احکام درخواست مهلت جهت اتخاذ تصمیم نهایی و تعیین تکلیف محکوم نموده‌اند. بنابراین تا اتخاذ تصمیم نهایی اولیای دم، اجرای حکم متوقف و محکوم به قصاص در زندان نگهداری می‌شود.

۲-۱-۱ عدم دسترسی به اولیای دم

در پانزده پرونده پس از اینکه اولیای دم در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادرسی درخواست قصاص نموده‌اند، در مرحله اجرای حکم دیگر به آن‌ها دسترسی حاصل نشده است و وضعیت حیات و ممات آن‌ها مشخص نمی‌باشد. به عنوان مثال در برخی از پرونده‌ها بعضی از اولیای دم به خارج از کشور رفته‌اند و پیگیر پرونده و اجرای حکم صادره نیستند. یادبرخی از پرونده‌ها که مقتول از اتباع کشورهای خارجی و غالباً از کشور افغانستان می‌باشند، بعد از صدور حکم، اولیای دم به کشور خودشان مراجعت کرده‌اند و محل اقامت آن‌ها مشخص نمی‌باشد و با توجه به جنگ‌های داخلی و عدم ثبات در کشور افغانستان اصلاً وضعیت حیات و ممات آن‌ها مشخص نمی‌باشد.

۳-۱-۱ وجود نواقص در پرونده

بعضی از پرونده‌هایی که جهت استیذان نزد رئیس قوه قضائیه ارسال شده‌اند به لحاظ اینکه دارای نواقص و ایراداتی می‌باشند بدون استیذان به جهت رفع نواقص و ایرادات به مراجع مربوطه ارسال می‌شوند. پرونده‌ها توسط اجرای احکام جهت اعمال ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب نزد رئیس قوه قضائیه ارسال می‌شوند. بنابراین تا زمان رفع نواقص و ایرادات و بررسی تغییرات قانون مجازات اسلامی و اعمال

27 - محمدی، محمدرضا، آسیب‌شناسی حقوقی اجرای حکم قصاص نفس در ایران، کارشناسی ارشد حقوق جزا، فصلنامه پژوهش نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی، شماره ششم، 1396، ص 35

ماده فوق الذکر و صدور حکم از شعبه هم عرض بایستی اجرای حکم متوقف شود و محکوم به قصاص در زندان نگهداری شود.

۱-۱-۴ فوت یکی از اولیای دم

در برر سی پرونده ها که در چهار پرونده فوت یکی از اولیای دم قبل از اجرای حکم مانع از اجرای حکم قصاص می باشد. در این پرونده ها پس از صدور حکم قصاص و درخواست قصاص از طرف اولیای دم و استیذان از ریاست قوه قضائیه و قبل از اجرای حکم قصاص فرد یا افرادی از اولیای دم فوت نموده اند. در عمل در خصوص اینکه آیا با توجه به درخواست قبلی اولیای دم، اجرای حکم قصاص ممکن است یا اینکه کلیه وراثت ولی دم فوت شده نیز مجدداً تقاضای قصاص کنند، دو رویه قضائی دارد. عده ای معتقد می باشند با توجه به ماده ۳۵۳ ق. م. ا. اخذ تقاضای کلیه وراثت حین فوت ولی دم فوت شده جهت اجرای حکم قصاص ضروری است. اما عده ای دیگر معتقد می باشند که حکم قصاص با توجه به درخواست قبلی و استیذان رئیس قوه قضائیه باید اجرا شود و نیاز به اخذ درخواست مجدد وراثت ولی دم فوت شده نمی باشد.^{۲۸}

اما به نظر می رسد با توجه به صراحت ماده ۳۵۳ ق. م. ا. مبنی بر اینکه « هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه او می رسد حتی اگر همسر مجنی علیه باشد. » در صورت فوت احد از اولیای دم ورثه وی اولیای دم محسوب می شوند و بایستی جهت اجرای حکم قصاص نفس اذن آنان اخذ شود. لذا در این حالت اجرای حکم قصاص تا دعوت از کلیه وراثت ولی دم فوت شده و اخذ نظر هریک از آنان و آماده شدن کلیه مقدمات اجرایی، به تعویق خواهد افتاد و محکوم به قصاص بایستی در زندان نگهداری شود.

۱-۱-۵ حامله بودن همسر مقتول محکوم به قصاص نفس

در یک پرونده باردار بودن محکوم به قصاص مانع از اجرای حکم قصاص می باشد. به موجب ماده ۴۳۷ ق. م. ا. و ماده ۶ آئین نامه اجرای احکام قصاص و ... قصاص زن حامله ممنوع می باشد. بعد از وضع حمل نیز چنانچه پزشک قانونی تجویز نماید که اجرای حکم موجب لطمه به سلامتی طفل به سبب قطع شیر مادر می باشد، اجرای مجازات تا رسیدن طفل به سن دو سالگی به تعویق خواهد افتاد. بنابراین در حالت فوق ممکن است محکوم به قصاص نفس به مدت حداکثر دو سال و نه ماه (از زمان حامل شده تا پایان دوره شیردهی به طفل) در زندان نگهداری شود و از اجرای حکم قصاص نفس به لحاظ حفظ حیات جنین و جلوگیری از لطمه به سلامتی طفل خودداری می گردد.

۱-۲ موانع دائمی

۱-۱-۲ عدم پیگیری و درخواست اجرای حکم قصاص نفس از سوی اولیای دم

28 - معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه نشستهای قضائی مسائل قانون مجازات اسلامی، جلد 1، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول، 1387، ص 348

قصاص یک حق شخصی است و تا زمانی که اولیای دم درخواست اجرای حکم ننمایند، حکم صادره اجرا نمی‌گردد و محکوم بایستی که در زندان نگهداری شود.

۲-۱-۲ عدم پیگیری مراجع قضایی

در چهارده پرونده به صورت مستقیم به دلیل آمار بسیار بالای پرونده‌ها و مشکلات خاص اجرایی هریک از آنان، مشاهده گردید که عدم پیگیری مراجع قضایی مانع اجرای حکم قصاص نفس می‌باشد. البته در سایر موانع اجرایی نیز به نظر می‌رسد که عدم پیگیری مراجع قضایی به صورت غیر مستقیم در بوجود آمدن آن موانع مؤثر باشد.

۳-۱-۲ عدم اعاده پرونده از استیذان

در بررسی پرونده‌ها صد و یک پرونده جهت استیذان نزد رئیس قوه قضائیه ارسال می‌شوند. با عنایت به اینکه در قوانین سابق و همچنین قانون مجازات اسلامی م. صوب ۱۳۹۲ ضمانت اجرائی در خصوص اینکه انجام مراسم استیذان موجب عدم استیفای حق قصاص شود، وجود ندارد، لذا در عمل مشاهده می‌گردد که بعضی از پرونده‌هایی که جهت استیذان نزد رئیس قوه قضائیه ارسال شده‌اند چندین سال در این مرحله باقی مانده‌اند و تصمیمی در این خصوص گرفته نشده است. علی‌رغم اینکه در این پرونده‌ها تمامی شرایط لازم جهت اجرای حکم وجود دارد، موانع و مشکلاتی مرتفع شده‌اند، اما عدم اعاده پرونده از نزد رئیس قوه قضائیه و عدم استیذان یک مانع دائمی در اجرای حکم می‌باشد و تا زمانی که استیذان صورت نگیرد، حکم قصاص اجرا نخواهد شد و محکوم علیه بایستی که در زندان نگهداری شود.^{۲۹}

۴-۱-۲ عجز محکوم علیه در پرداخت دیه

در شصت و نه پرونده اولیای دم که در صورت پرداخت دیه از سوی محکوم علیه حاضر به اعلام رضایت می‌باشند و خواهان دریافت دیه می‌باشند، اما محکوم علیه قادر به پرداخت دیه نمی‌باشند. لذا این امر باعث می‌شود که حکم قصاص اجرا نشود و محکوم علیه بلامتکلیف در زندان نگهداری شود.

۵-۱-۲ عجز اولیای دم در پرداخت تفاضل دیه

در سیزده پرونده اولیای دم جهت اجرای حکم قصاص بایستی که تفاضل دیه به محکوم علیه پرداخت نمایند. اما از لحاظ مالی قادر به پرداخت آن نیستند و محکوم علیه نیز خواهان دریافت آن می‌باشد، لذا در این حالت اجرای حکم قصاص متوقف می‌شود و محکوم علیه در زندان نگهداری می‌شود.

گفتار چهارم: قصاص نفس در مجازات اسلامی ۹۲ (نارسایی‌ها و نوآوری‌ها)

29 - موسسه آموزشی و پرورشی قضا، گنجینه استفتائات قضائی (نرم افزار)، قم.

برخلاف قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ که قاعده تداخل قصاص در آن مرتبه و قوانین مناسبی نداشت، قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به تفصیل از این اصول و قاعده تداخل دیات سخن گفته و ابداعاتی داشته است. با وجود تعدد مقررات و قوانین مربوط به این اصول، برخی ابداعات قانون از لحاظ مبانی فقهی پشتیبانی نمی‌شود و بعضی دوگانگی‌ها در قانونگذاری دیده می‌شود که احتیاج به بازنگری جدی است؛ از جمله اینکه مطابق قانون جدید، اگر کسی بدون اینکه قصد و نیت قتل داشته باشد یا اینکه عمل او نوعاً کشنده باشد، جراحتی را به عمد بر عضو دیگری وارد سازد که به مرگ او بیانجامد، چنین قتلی گرچه شبه‌عمد به شمار می‌رود، قاتل علاوه بر دیه نفس به قصاص عضو نیز محکوم می‌شود. همچنین در جایی که چند ضربه متوالی موجب قتل دیگری شده، قانون به تداخل قصاص اعضا در قصاص نفس قائل است. این در حالی است که در ضربه‌های غیرمتوالی، قاتل علاوه بر قصاص نفس به قصاص جنایت بر اعضا جز جنایت ماقبل آخر نیز محکوم می‌شود، با آنکه مرگ فقط در اثر ضربه آخر نبوده و در اثر مجموع ضربات بوده باشد.^{۳۰}

سی سال از تصویب قانون مجازات اسلامی می‌گذرد. محکومینی در زندانهای کشور مشاهده می‌شوند که قریب به سی سال تحمل حبس می‌نمایند در حالی که مجازات شرعی و قانونی آنها قصاص می‌باشد. بلاتکلیفی این محکومین در زندان‌ها سبب به وجود آمدن معضلات و مشکلاتی به شرح ذیل گردیده است: ۱- بلاتکلیفی این محکومین سبب ورود فشارهای عصبی و روانی به آنها شده که خود موجب افزایش وقوع جرایم و تخلفات ارتكابی آنها در داخل زندان می‌شود. جرایمی مانند: قتل، ایراد ضرب و جرح، اخلال در نظم زندان، توهین و تمرد نسبت به مأمورین زندان، قدرت‌نمایی و جرایم مرتبط با مواد مخدر و تخلفاتی مانند خودکشی و خودزنی و ...

۲- مشکلات به وجود آمده برای خانواده‌های محکومین به قصاص، هرچند که شاید اجرای حکم قصاص برای آنها سخت باشد ولی بلاتکلیفی و انتظار آن هم در طول سال‌های متمادی مشکلی مضاعف می‌باشد. ۳- با عدم اجرای به موقع حکم قصاص در بعضی از پرونده‌هایی که اولیای دم خواهان و مصر به اجرای مجازات قصاص می‌باشند، باعث می‌شود که احساس عدم امنیت روانی خصوصاً در شهرهای کوچک و روستاها تثبیت بشود و در نتیجه اولیای دم خود به فکر انتقام‌گیری از سایر اقوام و وابستگان قاتل آن بیفتند. ۴- هزینه‌های فراوانی که بر بیت‌المال جهت نگهداری این محکومین در طول سالهای متمادی بار می‌شود. لذا شایسته است به موضوع آسیب‌شناسی اجرای این حکم به طور خاص توجه شود تا دلایل عدم اجرا یا عدم اجرای به موقع این حکم مشخص شود. به نظر می‌رسد عدم پیگیری و درخواست اجرای حکم از سوی اولیای دم، ناتوانی محکوم علیه در پرداخت دیه درخواستی از سوی اولیای دم، عدم پرداخت سهم متقاضیان دیه، فاضل دیه، و سهم عفوکنندگان از سوی اولیای دم که خواهان قصاص می‌باشند و طولانی بودن مرحله استیذان از عمده دلایل نارسایی‌های حکم قصاص می‌باشند. تعیین مهلت برای اولیای دم جهت استیفاء حق قصاص و پرداخت سهم دیه به سایر اولیای دم و قاتل و تفویض اختیار رئیس قوه قضائیه در مرحله استیذان به رئیس کل دادگستری هر استان از نوآوری‌های اجرای به

30 - حاجی‌ده‌آبادی، احمد، نقدی بر قانون مجازات اسلامی 1392 در زمینه تداخل قصاص، سال چهارم و هشتم - شماره 2 علمی-پژوهشی، 1394، ص 225

موقع حکم قصاص نفس می باشند. با توجه به اهمیت ویژه حکم قصاص نفس که شدیدترین مجازات است و از طرف دیگر اجرای آن با پیچیدگی‌ها و مشکلات خاص مواجه می باشد، کاملاً مشخص است که یک نفر به عنوان قاضی اجرای احکام نمی تواند به تنهایی به نحوی که حقوق تمامی طرفین رعایت شود به اجرای این حکم بپردازد. در حال حاضر در تمامی دادسراهای کشور هیچ تفاوتی بین شعبه اجرای حکم قصاص نفس با سایر شعب اجرای احکام وجود ندارد. در حالی که به نظر می رسد باید در آیین نامه ای که به موجب ماده ۲۱۶ قانون مجازات اسلامی در خصوص نحوه اجرای حکم قصاص تهیه می شود به تشکیل واحدهای مخصوص، اجرای حکم قصاص نفس پرداخته شود. این واحدها باید متشکل از قضات اجرای احکام و ناظر زندان، یکی از روحانیون آگاه به مسائل و مشکلات اجرای حکم قصاص، روانشناس و خیرین باشند. با توجه به این که بسیاری از محکومین به قصاص نفس، به صورت کاملاً اتفاقی و در اثر یک نزاع و درگیری که قبل طراحی نشده بوده و معمولاً در اوج جوانی مرتکب قتل گردیده‌اند و از طرف دیگر غالباً بین قاتل و مقتول رابطه فامیای، دوستی، همسایگی و همکاری وجود دارد لذا این واحدها می توانند اولاً به بررسی و تفکیک بین پرونده‌هایی که مجرمین آنها حرفه‌ای و خطرناک می باشند با مجرمین فوق‌الذکر بپردازند و مخصوصاً به مجرمین اتفاقی کمک شود که بتوانند از اولیای دم رضایت بگیرند. ثانیاً با پیگیری‌های لازم سعی نمایند که مشکلات اجرایی سایر پرونده‌ها را حل نمایند.^{۳۱}

31 - سپه‌وند، امیرخان، جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، 1386، ص 50

اجرای دقیق و کامل قوانین و احکام صادره از دادگاه‌ها بنای هر جامعه‌ای می‌باشد. در اجرای هریک از احکام صادره از محاکم معمولاً با یک سری موانع و نارسایی‌هایی مواجه می‌باشیم. اما حکم قصاص نفس با چالش‌های خاص و پیچیده‌ای مواجه می‌باشد. با توجه به این که از لحاظ اهمیت و تاثیر جرم قتل عمد و شدت مجازات آن، معمولاً قرار تامین کیفری صادره برای متهمین به قتل عمد، قرار بازداشت موقت می‌باشد. لذا پس از قطعیت حکم، مواجه شدن اجرای حکم با نارسای اجرایی موجب ادامه بازداشت این محکومین می‌گردد. به نحوی که در برخی از موارد مشاهده می‌گردد این محکومین حدود سی سال است که در زندان نگهداری می‌شوند و حکمشان اجرا نمی‌گردد. از طرف دیگر با توجه به این که مجازات شرعی و قانونی این محکومین قصاص نفس می‌باشد. نگهداری آنان بیش از مدت متعارف جهت اجرای این حکم در زندان به فتوای مراجع عظام تقلید فاقد وجهت شرعی می‌باشد. نارسایی‌های موقت و دائمی حکم قصاص نفس با استفاده از راهکارهای زیر برطرف می‌شوند. اولاً اجرا ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی و اتخاذ تصمیم دادستان در خصوص حق قصاص در مواردی که به اولیای دم دسترسی حاصل نمی‌شود. ثانیاً اجرا ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسلامی و آزادی محکوم علیه با اخذ وثیقه در صورتی که ولی قهری اعلام می‌نماید که تا بلوغ ولی دم صغیر منتظر می‌ماند تا خودش اتخاذ تصمیم نماید. ثالثاً پیگیری بیشتر و دقیق‌تر مراجع قضائی جهت رفع نواقص موجود در پرونده‌ها، شناسایی ورثه ولی دمی که فوت نموده است و بررسی ادعای فردی که مدعی می‌باشد جزو اولیای دم می‌باشد. البته قابل ذکر می‌باشد در سایر موانع موقت، با توجه به ماهیت آنها که رفعشان زیاد زمان بر نمی‌باشد، چاره‌ای جز صبر جهت رفع مانع‌ها وجود ندارد. اما نارسایی‌های دائمی: اولاً قانونگذار باید به دادگاه اجازه دهد تا جهت تعیین تکلیف محکوم علیه و تهیه شرایط لازم جهت اجرای حکم برای اولیای دم مهلت مناسب تعیین نماید. تا چنانچه در مهلت مقرر علی‌رغم ابلاغ اخطاریه اقدامی ننمودند، به لحاظ این که اطلاق ادله قصاص به دلیل ادله قاعده فقهی «لا حرج» به مهلت معین مقید می‌شود، می‌توان به قرینه اخطاری که از سوی دادگاه به اولیای دم صورت گرفته است و ایشان نیز در این خصوص اقدامی ننموده‌اند، این عدم پیگیری و عدم تهیه شرایط اجرای حکم را به منزله عفو مرتکب از سوی اولیای دم تلقی و حق قصاص آنان را ساقط نمود. ثانیاً مقنن باید به رئیس قوه قضائیه اجازه دهد که جهت استیذان اختیار خود را به رئیس کل دادگستری هر استان تفویض نماید. رابعاً آزادی محکوم به قصاص نفس از زندان در زمان اعسار او از پرداخت دیه درخواستی از سوی اولیای دم چرا که بر اساس تراضی و توافق دو طرف حکم قصاص به دیه تبدیل گردیده است و اجرای حکم پرداخت دیه مانند سایر محکومیت‌های مالی است و در صورت اثبات اعسار محکوم علیه، بایستی از زندان آزاد شود.

الف: منابع فارسی

- اکبری، عبا سعلی، ۱۳۹۲، جرایم و تحولات آن در قانون مجازات اسلامی م صوب ۹۲، عضو هیأت علمی، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، تبریز، ایران،
- امامی، سید حسن، ۱۳۶۸، حقوق مدنی، تهران، کتاب فروشی اسلامی،
- حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۹۴، نقدی بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در زمینه تداخل قصاص، سال چهل و هشتم - شماره ۲ علمی-پژوهشی،
- خسروشاهی، قدرت الله، ۱۳۸۰، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، چ اول، تهران، انتشارات بوستان کتاب قم
- رستمی، رباب، ۱۳۹۴، قصاص قانون مجازات اسلامی ۹۲، پایان نامه دولتی - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان، دانشکده معارف اسلامی،
- زراعت، عباس، ۱۳۸۱، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه و فرهنگ فارسی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱۶،
- سپهوند، امیرخان، ۱۳۸۶، جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد،
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۲، قانون مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص، دیات)، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.چ اول،
- میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۸۶، جرایم علیه اشخاص، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات میزان،
- محمدی، محمدرضا، ۱۳۹۶، آسیب شناسی حقوقی اجرای حکم قصاص نفس در ایران، کارشناسی ارشد حقوق جزا، فصلنامه پژوهش نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی، شماره ششم،
- معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه نشر ستهای ضائی مسائل قانون مجازات اسلامی، جلد ۱، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول، ۱۳۸۷
- موسسه آموزشی و پرورشی قضا، گنجینه استفتانات قضائی (نرم افزار)، قم.
- ب: منابع عربی
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، ج ۱۱، نشر ادب الحوزه،
- الجرجانی، عبدالقاهر، ۱۹۹۸، اسرارالبلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، تهران، دانشگاه تهران.
- خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۲، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، قم، موسسه الاحیای آثارالامام خویی،
- خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۶، تحریر الوسیله، ج ۲، تهران، مکتبه العلیه الاسلامیه،
- حرعاملی، محمد، ۱۴۰۱، وسایل الشیعه، چاپ پنجم، تهران، المکتبه الاسلامیه، ج ۱۹،
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۰، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱۵، قم، موسسه المعارف الاسلامیه،
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶، مجمع البحرین، ج ۱، چ ۳، تهران، کتابفروشی مرتضوی،
- طوسی، محمدبن علی بن حمزه، ۱۴۰۷، الوسیله الی نیل الفضیله، ج ۱، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی
- لنکرانی، محمد، ۱۴۰۷، جامع المسائل، جلد ۱، قم، انتشارات امیر قلم، چاپ اول،

- فراهیدی ، احمد ، ۱۴۰۹ ق ، کتاب العین ، ج ۱ ، ۴ و ۳ ، چ ۲ ، بی جا ، موسسه دارالهجره ،
- فاضل هندی ، محمد بن الحسن ، ۱۴۱۶ ، کسف اللثام ، ج ۱۵ ، قم انتشارت اسلامی ،
- موسوی اردبیلی ، عبدالکریم ، ۱۴۱۳ ، فقه الحدود و التعزیرات ، ج ۱ و ۲ ، قم ، دارالمفید ،
- محقق حلی ، محمد ، ۱۴۰۵ ، شرایع الاسلام ، چاپ دوم ، قم ، موسسه اسماعیلیان ، ج ۴ ،
- نجفی ، محمد سن ، ۱۳۶۳ ، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام ، ج ۴۲ ، چاپ هفتم ، بیروت ، دارالحیای التراث العربی ،